

شعور باطنی حیوانات از منظر قرآن

<?xml encoding="UTF-8">

هنگامی که سلیمان(ع) و سپاهش وارد سرزمین مورچگان شدند، مورچه‌ای به دیگران هشدار داد که به لانه‌ها پناه ببرند تا پایمال نشوند! آن مورچه چگونه از ورود سلیمان(ع) آگاه شد؟ و چگونه ایشان را به نام شناخت؟! نخست باید گفت؛ تمام موجودات -از جمله مورچه‌ها- مأمور به اطاعت خدا هستند و طبیعی است که باید

فهمی هم داشته باشند که اسباب طاعت را درک کنند، اگرچه ما از جزئیات آن آگاه نباشیم.

امروزه با پیشرفت علم، هر روز بیشتر از دیروز به توانایی‌های موجودات پی برده و قدرت خدا را بیشتر و بهتر مشاهده می‌کنیم.

بر این اساس، از لحاظ عقلی، محال نیست که حیواناتی مانند مورچه، با روش‌هایی غیر معمول -مانند استفاده از جریان باد، امواج صوتی، بازگشت نور، حس بویایی، حرکت پرندگان و ...- متوجه رخداد‌های پیرامونی شده و حتی با دقت تمام از جزئیات آنها آگاه شوند، چه اشکالی دارد مورچه‌ای که برخی دانه‌ها -مانند کنجد- را قبل از ذخیره‌سازی نصف می‌کند تا بر اثر رطوبت سبز نشود، این توانایی نیز از سوی خداوند در اختیارش قرار گرفته باشد که به سرعت از خطرهای آگاه شود و بداند چه چیزهایی باعث پایمال شدن و در هم کوفته شدنش می‌گردد.

البته، با تمام پیشرفت‌هایی که در شناخت جهان حیوانات حاصل شده، هنوز ابهامات زیادی در این زمینه وجود دارد.

خانه‌سازی زنبور عسل، نظمی که بر کندو حکم فرما است، دقت مورچگان در جمع‌آوری نیازمندی‌های زمستان، طرز ذخیره و انبار آنها، دفاع حیوانات از خود در برابر دشمن، پیدا کردن لانه و خانه خود از فاصله‌های بسیار دور دست، و صدها و هزاران مورد مشابه، نشان می‌دهد که بسیاری از ریزه‌کاری‌هایی دنیای مرموز حیوانات هنوز برای ما کشف نشده است.

از این گذشته، بسیاری از حیوانات بر اثر آموزش و تربیت، کارهای شگفت‌انگیز دیگری انجام می‌دهند که حتی انسان‌ها از انجام آن عاجزند.

در همین راستا، هنوز کاملاً روشن نیست که حیوانات تا چه اندازه از دنیای انسان‌ها با خبرند؟ آیا به واقع آنها می‌دانند که ما کیستیم و چه می‌کنیم؟ ممکن است ما در آنها چنین هوش و ادراکی را سراغ نداشته باشیم، ولی آیا این به معنای نفی آن است؟! روی این حساب، اگر در داستان فوق خواندیم که مورچگان از آمدن لشکر حضرت سلیمان(ع) به آن سرزمین با خبر شدند و اعلام کردند به لانه‌های خود بروند تا زیر دست و پای سپاهیان له نشوند، و سلیمان(ع) نیز از این ماجرا آگاه شد زیاد جای تعجب ندارد.

علاوه بر این، حکومت سلیمان توأم با کارهای خارق‌العاده و اعجاز‌آمیز بود، روی همین اصل، بعضی از مفسران گفته‌اند که دارا بودن این سطح آگاهی از ناحیه قشری از حیوانات در عصر سلیمان(ع) خود یک اعجاز و خارق عادت بود، و مانعی ندارد که عین آن‌را در سایر زمان‌ها احیاناً نبینیم.

با توجه به آنچه گفته شد، هیچ دلیلی وجود ندارد که ما داستان سلیمان(ع) و مورچگان، یا سلیمان و هدهد را بر کنایه و مجاز و یا زبان‌حال، و مانند آن حمل کنیم، هنگامی که حفظ ظاهر آن و حمل بر معنای حقیقی امکان‌پذیر است